



سئووليت متن و شکل بدوش نويسنده مضمون ميباشد، عقیده نويسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۷/۱۲

احسان لمر

خاطراتی از استاد عبدالرحمن پژواک

(1)

در جایی خواندم که : «نه همه جاپاتی ها نابغه هستند و نه ما افغانها کند ذهنیم، تنها تفاوت در این است که آنها فرد شکست خورده را تشویق می کنند تا موفق شود ولی ما با فرد موفق می جنگیم تا شکستش دهیم».

در نود سال اخیر غیر از این که بهترین ها و برانندگان ما را نظام های جابر و حاکم سرکوب و حتی سربه نیست کردند بلکه خود ما نیز در این امر عقب نامانیم، و نمی مانیم، و حتی با جنایت کاران همکاری هم کریم، که نکر آن صفحات کاغذ را مملو می سازد. در این جا شما واقعت تلخی را از زندگی شخصیت براننده و فرزانه و نهایت موفق که حرمت جهانی هم کسب نموده بود و ما شکستش دادیم به خوانش می گیرید.

نو سال قبل در ۲۰۲۲/۰۲/۰۶ مضمونی نوشتم تحت عنوان «عدم حمایت از عبد الرحمن پژواک، برای سر منشی عمومی ملل متحد» نوشته بودم که در این سایت عزیز نشر شد، با معذرت آن سطور را با افزودی از نوشته جناب دکتور ننگیالی طرزی دوباره خدمت تقدیم میدارم:

وقتی نظام امانیه را با همه شور و عشق وطن پرستانه سرکوب و ورشکست ساختند در قدمه نخست دو برادر (شاه و صدراعظم) با نهایت وحشت و بربریت آزادگان و عاشقان وطن را سرکوب و زندان ها را از ایشان مملو نمودند. در ادامه اسلاف شان هم به سر نوشت کشور کینه توزانه آنچنان بی علاقه و بی تفاوت بودند که بدبختی های امروز کشوردلیلش (خت بودن آب از همان سر چشمه) است.

پژواک بزرگوار مرد آزاده و صریح لهجه و بی پروا بود همین دلیل است که سالها او را از وطن دور نگاه داشتند، اگر نه خدا می داند که سرنوشتی همچون خانواده چرخي، محمد ولی خان دروازی، مهدی خان چنداولی محی الدین انیس یا داوی و بسمل و صفا و یا غبار، محمودی، پشتون، اسمعیل بلخی، عبدالرحیم زی و یا میوندوال خان محمد مرستیال و دیگران نصیبش می شد. من در این سطور به شما عزیزان متونی از دست اول در باره ممانعت دولت بر تقرر این فرزانه ای سترگ به مقام سر منشی ملل متحد در حالی که بیگانه ها به آن راضی بودند تقدیم می نمایم.

فرهاد پژواک می نویسد: «این مقاله یک حقیقت درناک دیگر تاریخی را هویدا میکند: افغانستان شاید یگانه کشوری در جهان باشد که حکومت وقت آن مانع کاندید شدن سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان به کرسی سر منشی ملل متحد شد. بعد از ختم وظیفه "اوتانت" بحیث سر منشی ملل متحد در سال ۱۹۷۱ میلادی، نام پژواک برای احراز این مقام عالی و با پرستیژ در حلقه های سیاسی و دیپلماتیک جهان فعالانه مطرح بود.

منگل صاحب در مقاله خود یک سوال مهم را مطرح میکند که چرا حکومت خودش (حکومت وقت افغانستان) نه خواست که پژواک به این مقام عالی جهانی برسد؟ بعداً به جواب می پردازد و مدیرانه و با تأسف توضیح میدهد. به گفته ای منگل صاحب، جواب این سوال شاید برای هر افغان درناک و غیر قابل باور باشد.»

«در اواخر سال ۱۹۷۰ وقتی که "اوتانت" تصمیم گرفت که دو بار خود را کاندید مقام سکرتر جنرال یا منشی عمومی ملل متحد نه کند، اغلب کشور ها به نمایندگی دایمی افغانستان رجوع کردند و داوطلب اقدام برای معرفی کاندید پژواک شدند. پژواک این موضوع را به مرکز اطلاع داد و منتظر ماند. قرار صحبت من با پژواک بزرگ در سالهای مهاجرت در دهه هشتاد میلادی، شمار این کشور ها شامل همه اعضای شورای امنیت ملل متحد خصوصاً "پنج عضو دایمی" به شمول اتحاد شوروی سابق بود. بحث بالای انتخاب به درازا کشید و معرفی کاندیدای پژواک بشکل رسمی از طرف

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

حکومت افغانستان صورت نه گرفت. منگل صاحب جزئیات این پروسه و دستور العمل رسمی را خوب توضیح کرده است و لازم به تکرار نیست. البته دولت سلطنتی در این زمان در افغانستان حاکم بود.

به ویژه، در سال ۱۹۷۱ مرحوم داکتر ظاهر خان بعد از استعفای مرحوم اعتمادی به مقام صدارت مقرر می شود. مرحوم موسی شفیق بحیث وزیر خارجه حکومت نو شروع بکار میکند. دلچسپ است که تصمیم عدم پشتیبانی از کاندیدای پژواک در این دوره نهایی می شود. حکومت جمهوریت مرحوم سردار داود خان دو سال بعد (۱۹۷۳) بروی صحنه بروز میکند. در آن وقت پژواک سفیر کبیر افغانستان در المان غرب بود.

از لابلای متن سند تاریخی تلگراف رمز پژواک، مورخ سپتمبر ۱۹۷۱، به مرکز (کابل) چنین بر داشت می شود که حکومت وقت افغانستان نه تنها مانع این افتخار بزرگ برای افغانستان شد، بلکه امر تغییر پست ریاست هیأت نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد را داد که در اثر آن ماموریت مرحوم پژواک در سازمان ملل متحد پایان یافت و او به وطن عودت کرد. پژواک که سال ها از وطن دور و مسافر نگهداشته شده بود، حتی در صحنه بین المللی محروم از یک فرصت طلائی خدمت برای مردم خود و دنیای بشریت شد. شاید هم حسادت ها، خوفها و کمبودی های داخلی در وطنش سبب این بدبختی شده باشد، لکن تجسس عمیق تر علمی برای کشف حقایق مبرم است تا اشتباهات گذشته در آینده تکرار نه شود!¹

خانم پروین پژواک: « از صبح که این سخن را خواندم، دلم آتش گرفت. من در این جا تنها منحصی نواسه استاد عبدالرحمان پژواک سخن نه می گویم و به خود حق می دهم تا منحصی یکی از میلیون ها افغان که به زانگاه خود افغانستان عشق می ورزد خشم و دریغ خود را در برابر تاریخ تاریک وطن ابراز کرده و از قدرت مندان سیاسی وطن در هر زمان و مکانی که بوده اند، پاسخ این پرسش خود را بخواهم که چرا قربانی و جانبازی علمی و عملی عاشقان خاک را بخاطر حفظ مقام و چوکی، زیر پا کرده اند؟! »

معلوم دار که بار اول نیست من می شنوم که اگر دولت شاهی افغانستان با استاد پژواک همراهی میکرد، این ستاره درخشان مشرق زمین، بر سراسر جهان می تابید و با درخشش او اسم افغانستان نیز در میان همه ممالک ملل متحد برانزنگی خاص می یافت، لیکن خواندن سند موثق در این مورد برآستی که درنناک است و به ما یک بار دیگر نشان میدهد که خود خواهی و خود کامی قدرتمندان سیاسی وطن ریشه عمیق و سابقه طولانی داشته و یکی از دلایل عمده چاق شدن جهل در سر زمین ما می باشد.²

محترم عبدالمجید منگل دیپلمات سابق افغانستان در ملل متحد که از موضوع آگاه و بعداً سندی را هم بدست آورده بود در. 07/03/2016 نوشت:

«یادی از پژواک، یک شخصیت بزرگ با نام جاودان»

سال آزادی کشور بود، پیام آور صلح و آزادی، ترقی و باز سازی، برابری و برادری و رعایت همه حقوق انسانی. خیر های پراکنده ای که در جریان این سال از جبهات جنگ از طریق وسایل محدود آن زمان به قریه ها و قصبات کشور می رسید از پیروزی های مبارزین راه آزادی در برابر دشمنان استعماری میهن همواره حکایاتی داشت که برای مردم آزاده ما سرور و شادمانی می آفرید. در چنین سال و چنین ماه های پر هیجان ملی که مردم بی صبرانه انتظار داشتند رهبر محبوب شان (شاه امان الله غازی) پایان مذاکرات "راولپندی" و استقلال کامل کشور شان را اعلام نماید،

1 - فرهاد پژواک

2 - پروین پژواک دختر استاد نعمت الله پژواک.



روز نامه نولتی که در رابطه بیست و هشتمین مجمع عمومی ملل متحد متنی کوتاهی را در پایان صفحه نشر نموده است.

در گوشه ای از شهر باستانی "غزنه" در یک خانواده شریف و با دیانت افغان از قریه "باغوانی" سرخ رود ننگرهار طفلی چشم به جهان گشود که نامش را "عبدالرحمن" گذاشتند.

تولد این طفل نوزاد و نیک قدم، چون طلوع ستاره ای درخشان در آسمان کشور آنهم در سال آزادی -۱۹۱۹، در شهر تاریخی "غزنه"، شهری که بنام (شهر شاهان و جهان گشایان) شهرت داشت و محل آرامگاه های امپراطورانی چون (سلطان محمود غزنوی) یا پیشگامان علوم ساینس و نجوم چون (ابوریحان البیرونی) یا عرفا و شعرای نامداری چون (حکیم سنایی) بود و بالاخره شهری که کار (شاهنامه فردوسی)، این شاهکار بی نظیر زبان دری- فارسی توسط ابوالقاسم فردوسی در آن جا آغاز و انجام یافته بود، یقیناً یک امر تصادفی نبود بلکه اراده پروردگار (یکتا) در میان بوده است. تردیدی نیست که هیچ کس بشمول والدین نیک نامش نه می دانستند که این طفل نوزاد در مرحله بعدی حیات و انتخاب تخلص (پژواک) روزی شهره جهان خواهد گردید و افتخارات بزرگ و جاودانی را در رشته های شعر و ادب، نویسندگی، سیاست و دیپلماسی بین المللی برای مردم و کشورش به ارمغان خواهد آورد.

یادی از سال روز تولد "عبدالرحمن پژواک"، یک فردی از اشعار زیبایش را که همه عالی، دلپذیر و پر مفهوم اند، به خاطرم آورد و در واقع نمونه کوچکی است که نمایانگر آزادی فکری، آزاد منشی و آزاد نگری این مرد بزرگ می باشد و در حقیقت احترام عمیق وی را به اصل آزاد زیستن انسان و احترام به کرامت انسانی، محکومیت اسارت و بردگی و رعایت "حقوق و آزادی های فردی"، نشان میدهد. وی چه خوب گفته است:

من مقتدی خویشم کس نیست امام من

بادار ندارم من کس نیست غلام من

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزې ښي پاوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ

نام پژواک بزرگ را در سال هایی که محصل پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بودم از طریق رسانه های آن وقت خاصاً در گزارش های مربوط به ملل متحد به اصطلاح وقت و نا وقت می شنیدم و با اسم وی آشنا بودم. همکاری و آشنایی نزدیک من با این شخصیت بزرگ و ارجمند افغانستان و جهان خوش بختانه وقتی آغاز یافت که جنت مکان (پژواک) بحیث سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در مؤسسه ملل متحد در نیویارک ایفای وظیفه می نمودند و من در این وقت بحیث مأمور سیاسی دفتر "شورای امنیت" دارالانشای ملل متحد در نیویارک از طریق تصمیم آن مؤسسه و موافقه حکومت افغانستان شامل کار شدم.

بعد از ختم ماموریتم در دفتر مذکور و عودت به کابل، فرصت نیک دیگری در حیاطم میسر گردید و آن وقتی بود که با تقریر بحیث یک دیپلمات و عضو نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد در نیویارک در قطار همکاران نزدیک (پژواک بزرگ) قرار گرفتم. این بار در مدت بیشتر از چهار سال ماموریتم در آنجا فرصت داشتم تا از رهنمایی های بزرگ وظیفوی، علمی و انسانی این شخصیت ارجمند و پر افتخار ملی و بین المللی وطنم بیاموزم.

هر زمانی که به اوضاع نا بسامان کشورم نظر انداخته افراد بی کفایت و بی تجربه تنظیمی را مشاهده می کنم که صرف به اساس داشتن ارتباط و علائق با (تنظیم های فاسد ماورای جهاد) و در نتیجه (پالیسی های نادرست حکومت امریکا در مورد افغانستان) که تنها (اهداف ستراتیژیک) خود را دنبال می نماید، سر نوشت دیپلماسی افغانستان آنهم در این حالت بحرانی مملکت متأسفانه به آنها سپرده شده است، مرا بیشتر به یاد "عبدالرحمن پژواک" می اندازد که اگر زنده می بود با مشاهده وضع پراکنده سیاست و دیپلماسی کشور چه حالی می داشتند؟

من خاطرات زیاد و فراموش نا شدنی شخصی و رسمی از آن "سر تاج" دنیای علم و معرفت، شعر و ادب، نویسندگی، سیاست و دیپلماسی بین المللی دارم که به نسبت جلوگیری از طولانی شدن این نوشته تنها یک خاطره شخصی ام را از آن بزرگوار مهربان در این جا ذکر می کنم:

در یکی از روزها در دوران ماموریت ام در (نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد) در نیویارک در حالی که طبق پروگرام روزمره کاری در دفتر "پژواک بزرگ" پیش روی میز کار شان نشسته بودم بعد از ختم صحبت در مورد جلسه ای که یک ساعت بعد در عمارت ملل متحد آغاز می یافت و من نظر به هدایت قبلی شان مؤظف بودم به نمایندگی از افغانستان در آن جلسه اشتراک نمایم پژواک، با آن متانت طبیعی و فطری که داشت، بی پیرایه از من با تفصیل آتی سوال نمود:

"منگل عزیز، شهر کابل را بلد هستی؟ گفتم بلی، گفتند منطقه دهمزنگ را هم خوب می شناسی؟ جواب دادم بلی. پرسیدند در آنجا یک مناره است بنام "منار علم و جهل" آن را دیده یی؟ گفتم بلی! اما سال های پیش زمانی که در کابل بودم ولی جزئیات آن را بخاطر ندارم.

پژواک بعد از این سوالات شان و جوابات من، مکثی کرده به صحبت شان چنین ادامه دادند: "میدانی کشور ما افغانستان شاید یگانه کشوری در جهان باشد که برای "علم" و "جهل" منار واحدی بنا کرده است بدون این که فکر شود در حق "علم" چه جفای بزرگی صورت گرفته است که با "جهل" منار مشترک دارد." مرحوم پژواک افزودند: "با وجودی که این موضوع را بشکل مزاح نکر می کنم و از گذشته این منار که بخاطر کدام رویداد درد ناک تاریخی ساخته شده است اطلاع دارم ولی با آنهم یگان مرتبه نگرانی به من دست میدهد که خدای نا خواسته بار دیگر "جهل" بر "علم" در کشور ما غالب نگردد زیرا چنین غلبه مصائب زیادی به مردم و کشور ما در گذشته بار آورده است».



پژواک در حال ریاست یکی از جلسات سازمان ملل متحد

موضوع کاندیداتوری و انتخاب احتمالی "عبدالرحمن پژواک" بحیث سر منشی ملل متحد:

در سال های بین ۱۹۶۷-۱۹۷۴ شهرت و محبوبیت "مرحوم عبدالرحمن پژواک" در سطح جهانی بحیث یک دیپلمات ورزیده، مجرب و آگاه از مسایل بین المللی، به اوج خود رسیده بود و این وقتی بود که پژواک ریاست سه جلسه مهم اسامبله عمومی ملل متحد یعنی جلسه عادی سالانه - جلسه خاص اسامبله عمومی و خصوصاً "جلسه فوق العاده اضطراری" اسامبله عمومی ملل متحد را که در وقت جنگ سال ۱۹۶۷ "اعراب - اسرائیل" در مقر ملل متحد در نیویارک دایر شده بود، با ابراز لیاقت و برازندگی آشکار دیپلماتیک، موفقانه رهبری کرد. پژواک در طول سال های متمادی ایفای وظیفه در ملل متحد، خدمات قابل توجه دیگری نیز در ساحه تدوین اصول و پرنسپ های حقوقی احترام به "حقوق و آزادی های فردی - حق خود ارادت آزاد مردم" و سایر حقوق والای بشری انجام داده است.

نظریات عالی پژواک در قسمت تدوین میثاق های دو گانه حقوق بشر ملل متحد بنام "میثاق حقوق سیاسی و مدنی" و "میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی" نقش قابل توجه داشت. پژواک برای مدتی "ریاست کمیسیون حقوق بشر ملل متحد" را نیز بر عهده داشتند.

در سال ۱۹۷۴ "اوتانت" سر منشی ملل متحد که از کشور برما ان وقت یا میانمار امروز بود، وفات یافت، با وفات وی موضوع جانشینی نام برده و انتخاب سر منشی جدید ملل متحد در سطح جهانی مطرح گردید. نام "عبدالرحمن پژواک" این فرزند برومند افغانستان، در رأس نام های ده نفر کاندید احتمالی که همه از شخصیت های معروف بین المللی یا وزرای خارجه کشورهای مربوطه شان بودند، برای احراز این مقام عالی و با پرستیژ در حلقه های سیاسی و دیپلماتیک جهان فعالانه مطرح گردید.

چون موضوع انتخاب سر منشی جدید برای ملل متحد در سطح جهانی سر زبانها بود روزنامه ها نیز ضمن تبصره بر موضوع کاندید های احتمالی از پژواک بحیث کاندید قوی و مناسب نام می برد. در پهلوی جراید امریکا و غرب، من بخاطر دارم که مجله پر تیراژ آن وقت ایران بنام "ترقی" عکس بزرگ پژواک را در پیشروی عکس رنگه عمارت ملل متحد در نیویارک با دیزاین بسیار عالی در پشتی مجله مذکور به چاپ رسانیده بود. مجله "ترقی" با چاپ عکس پژواک در پشتی مجله، توجه خوانندگان خود را به این مطلب جلب نموده بود که به احتمال قوی "عبدالرحمن پژواک" سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل سر منشی جدید آن سازمان خواهد بود.

سوالی که در این جا مطرح شده می واند این است که با وجود چنین احتمال قوی انتخاب شدن پژواک بحیث سر منشی ملل متحد، چرا حکومت خودش نه خواست او را برای احراز این مقام عالی جهانی کاندید نماید؟ جواب آن را که شاید برای هر افغان دردناک و غیر قابل باور باشد در ذیل توضیح می نمایم:

۱ - مرحله اول آغاز پروسه و دستورالعمل برای انتخاب (سر منشی ملل متحد) معرفی کاندیدا بشکل رسمی از طریق ارسال (یادداشت های رسمی) وزارت خارجه به موسسه ملل متحد و همه دول عضو موسسه ملل متحد می باشد که طی آن کاندید مورد نظر معرفی گردیده و پشتیبانی کشورهای عضو ملل متحد مطالبه میگردد ولی حکومت وقت افغانستان متأسفانه این کار را در قسمت پژواک مرحوم نکرد.

۲ - در صورتیکه کاندیدا مرحوم پژواک برای احراز پست مذکور از طرف حکومت افغانستان اعلام میگردد، لازم بود وزارت امور خارجه افغانستان تماس های رسمی با حکومتات مربوطه اعضای شورای امنیت ملل متحد خصوصاً "پنج عضو دائمی" آن شورا یعنی امریکا - انگلستان - فرانسه - چین و اتحاد شوروی وقت، برقرار می نمود و پشتیبانی دول مذکور مطالبه میگردد زیرا به اساس منشور ملل متحد شورای امنیت ارگان اصلی برای انتخاب سر منشی ملل متحد می باشد که این کار نیز متأسفانه از طرف حکومت وقت صورت نگرفت، در حالیکه جنت مکان پژواک تمام عمر خود را در سطح ملی، منطقوی و بین المللی برای خدمت به مردم و کشورش با آن همه صداقت و سویه عالی وقف نموده بود و افتخارات بزرگ و بی سابقه ای را نیز نصیب مردم و کشورش ساخت، وقتی چنین (فرصت طلایی) برای احراز پست عالی و با پرستیژ سر منشی ملل متحد برای مرحوم "عبدالرحمن پژواک" به میان آمده بود روی هر دلیل یا دلایلی که نزد حکومت وقت موجود بود و شاید ناشی از کدام خصومت شخصی و خائنانه در داخل دستگاه حاکمه بوده باشد، دولت در زمینه هیچ کاری نکرد.

ادامه دارد